

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Social

اجتماعی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین – ۴ سپتمبر ۲۰۱۵

## خطاب به هاشمیان: و لعنة الله على الكاذبين!!! و لعنت خدا باد بر دروغگویان!!! (قسمت اول)

لعنت خدا باد بر دروغگویان و دروغنویسان و دروغبافان و دروغپردازان و همه کسانی که دروغ را اساس کار خود قرار میدهند!!!

دروغ آدمی را کند شرمسار!!!

دروغ آدمی را کند بی وقار!!!

خدا از تومت ناق و ظلم ظالم نگا کنه!!!  
(خدا از تهمت ناحق و ظلم ظالم نگاه کند)

نصّ کتاب مقدّس مسلمانان – قرآن – و کلام افصح المتکلمان – شیخ شیراز – و کلام پیچه سفیدان حقدار و باوقار کابلی را نثار کسی میکنم، که به دروغ پناه میبرد؛ و بر حریف غالب و قوی پنجه خود دروغ و بهتان و افتراء و تهمت میبندد!!!

در مورد منتجه اعطای ماجراجویانه لقب "استاد ادب دری"، که به ابتکار آقای سید خلیل الله هاشمیان به راه انداخته شده و با مقاله مؤرخ اول سپتمبر آن جناب در پورتال "افغان جرمن آنلاین" به اوج دراماتیک و اسفبار خود رسید، سه عبارت بالا را تمهید گویا چیدم.

چنان که خوانندگان ارجمند اطلاع دارند، آقای هاشمیان – که با مباحث فخر فروشانه خود را "داکتر" و "استاد" قلمداد میکند و این دو مقوله شبیه "کاه کهنه" را به رخ هرکس کشیده و حربه خود میگرداند – در برابر آنانی که مخالف این پلان نامعقول و بدعت آمیز و فاقد اعتبار، برخاسته بودند، به سیلی از دو و دشنام و اتهام پناه جست – و شیوه مغلوبان و دستپاچگان است، که :

چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند!!!

حق مسلم هر انسان آزاد و آزاده است، که عقیده خود را بدون ترس و لرز و بدون مُراعاتِ گلِ روی کسی ابراز ندارد!!!

اما آنان که از حقایق میترسند - چنان که "جند از بسم الله میترسد" - و حاضر نیستند کسی سر گپ ایشان گپ بزند؛ و میخواهند کاههای بیدانه خود را خوراک آدمیزاده آزاده بسازند، تحمل شنیدن و خواندن و دیدن حقایق را ندارند.

در همان وبسایت دیدیم و خواندیم، که تعداد زیادی از بلی گویان و کسانی که حق را فدای زور جباران قلم میکنند، به ندای ناحق آقای هاشمیان لبیک گفتند و مدیحه های مصور و رنگین خود را نثار کاغذ مظلوم و بی زبان ساختند. درین میان مگر :

آزادگانی هم داد سخن دادند و کار آقای هاشمیان را ناجائز، نامعقول و دور از تعاملات جامعه دانستند. جناب سید هاشم سدید و جناب محمد ناصر مستجاب و جناب تیمورشاه تیموری - تیموری صاحب بزرگوار - و خلیل الله معروفی و جناب استاد محمد اسحاق نگارگر، کسانی بودند، که بر سینه هاشمیان و هاشمیان خیلها سیلی رد زدند.

همان قسمی که شیوه خودپرستان و زورگویان نوافغان است، این آقا مقاله اول سپتمبر ۲۰۱۵ خود را بیرون داد. هاشمیان که چشمش را خون گرفته و مجال تشخیص حق و باطل را از وی ربوده بود، نوشته سراسر هذیان و بهتان را از همان وبسایت "افغان جرمن آنلاین" از پرده برون آورد و در پیشگاه خوانندگان قرار داد. شاید اشخاص خالی ذهن و بیخبر از گذشته من، مفتون حيله و دغای این آغا و گفته های بیمارگونه و غرض آلودش شده و سخنانش را باور کرده باشند، در حالی که آگاهان و حقپرستان خود میدانند، که:

- که حق میگوید و که راه باطل میجوید؟؟؟

- گذشته کدام شخص پاک و نیالوده و چون لوح محفوظ، محفوظ از لکه و سیاهی ست، و کارنامه کدام یک مقرون تباهی؟؟؟

کسانی که از گذشته من اطلاع ندارند، یقیناً با خواندن نوشته حاضر قانع خواهند گشت، که هاشمیان در نوشته اخیرش دروغ گفته و یکسره تهمت بسته است!!! نویسنده این توهیننامه بر آزادگان بی ریاء بتاخت و از جمله، سیلی از اتهامات ردیلانه را نثار این درویش آزدسرت و حقپرست کرد. آقای هاشمیان نوشت:

«جناب آقای خلیل الله معروفی، صاحب منصب عسکری، از لیسه حبیبیه و حربی پوهنتون فارغ شده و در دوره جمهوریت محمد داؤد خان برای تحصیل در رشته تخنیک تانک به چکوسلواکیا اعزام شده بود و در همانجا با آیدیالوجی کمونیزم آغشته شد. این جناب بارها به کشور ایران سفر کرده و آثار ایرانی را خوانده و با ادب و دستور زبان های دری/ فارسی و عربی بلدیت غیر مسلکی دارد و هم طبع شعری دارد که به قرار نوشته خودشان در اروپا طغیان کرده است...»  
و در جای دیگر فرمود:

« جناب آقای معروفی که در کشور چکوسلواکیا در رشته تخنیک تانک دیپلوم انجنیری حاصل نموده و در دوره کمونستی نیز در اردوی افغانستان منصبدار تانک بودند، نمیدانم در کدام رشته در کشور آلمان (دیپلوم انجنیر) شده اند، ولی اینقدر معلوم است که در کشور آلمان تحصیلات مسلکی در رشته زبان و ادبیات دری میسر نمی باشد. لهذا نوشته هایشان در این زمینه غیر اختصاصی و غیر مسلکی بوده جنبه شوقی و تفننی دارد. مثلاً درمورد "های ملفوظ و غیر ملفوظ" و هم بالای "صرف کلمات عربی" در حدود بیست مقاله نوشته اند که در وبسایت خودشان نشر شده، اما به

سواد آموزی دری زبانها چندان مفید و مؤثر نبوده و پیروان ایدیالوجیکی آن پورتال نیز آن هدايات را پیروی نتوانسته اند. اما نقدها و تبصره های ادبی جناب آقای معروفی، به اصطلاح در بین "کوران یک آدم یک چشمه"، خواننده داشته است....»

و در پراگراف دیگر چنین آورد:

«از جانب دیگر جناب آقای معروفی که با چند رتبه ترفیع در دوره کمونستی به رتبه جگرن در فرقه تانک خدمت میکردند، بایست مشاهدات خود را از کشتارها و چندین قتل عام افغان های مسلمان توسط کمونست ها و شوروی ها به افغان های مهاجر بیان میکردند، ولی در عوض به ادبیات و علم صرف مصروف شده است. در هر مقاله شان ۳۰٪ صفحه پاورقی بالای صرف کلمات عربی میباشد، در حالیکه افغانهای دری زبان به دانستن ریشه کلمات عربی هیچ ضرورت ندارند.»

خواننده ارجمند خوب متوجه باشد، که تمام اتهامات آقای هاشمیان فقط با این یک جمله نقش بر آب میگردد؛ و آن جمله اینست:

«من درویش، خلیل الله معروفی، به تاریخ ۲۷ جولای ۱۹۷۲ وارد برلین غرب گردیدم و بعد از آن تا دوم اکتوبر ۲۰۰۲ روی وطنم را هرگز ندیدم.»

اگر در مود خود بیشتر بگویم:

«من درویش، خلیل الله معروفی، بعد از ختم لیسه جلیل حبیبیه، ضمن یک گروپ بزرگ محصلان، در ابتدای جون ۱۹۶۱ عازم چکوسلوواکیا گردیده، در شهر برنو (Brno) - دومین شهر بزرگ آن کشور - متوطن گشته و تا اوائل جون ۱۹۶۴ شامل اکادمی عسکری VAAZ بودم، که در همانجا رشته تخنیک مخابره را فرا گرفتم.»

طوری که گفتم، به تاریخ ۲۷ جولای ۱۹۷۲ عیسوی وارد برلین غرب شدم و این مقارن سال آخر سلطنت اعلیحضرت ظاهرشاه بود. یک سال بعد؛ یعنی در سال ۱۹۷۳ داوود خان کودتا کرد و بعد کوتای منحوس هفت ثور به وقوع پیوست، که به تجاوز قوای سفاک شوروی سوسیال امپریالیستی انجامید. بعد مجاهدان فاتح آمدند و آنچه را از افغانستان باقی مانده بود، به تل خاک مبدل ساختند و سپس طالبان آمدند و گلیم مجاهدین را جمع کردند و بعد حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ به وقوع رسید و بهانه تجاوز امریکا شد و از همان زمان تاکنون افغانستان در اشغال امریکا و ناتو قرار دارد. در تمام این رویدادهای اسفبار، که جمعاً سی سال تخت را در بر گرفت، من درویش، خلیل الله معروفی، دور از وطن بودم و خاک پاک افغانستان را به چشم ندیدم.

و اگر سرگذشت خود را در برلین اندکی شرح بدهم:

بعد از مدتی اقامت در شهر برلین غرب، شامل یونیورستی تخنیکی و یا بهتر بگویم، پوهنتون تخنیکی برلین - که به نام Berliner Technische Universität و یا TU-Berlin یاد میگردد - شده و در رشته Elektrotechnik "برق" (برق خفیف) به تحصیل مشغول گشته و به تاریخ اول اپریل ۱۹۸۵ سند دیپلوم انجنیری (Diplom-Ing) را با درجه عالی در رشته برق از همین پوهنتون حاصل کردم.

تمام اسناد لازم و رسمی افغانی و چکی و المانی را در اختیار دارم و اورق مربوطه اش را به زودی سکن کرده، در معرض دید خوانندگان عزیز و آقای هاشمیان میگذارم؛ تا:

«سپهروی شود، هرکه در او غش باشد!!!»

دروغهای شاخدار و ناجوانمردانه ای را که آقای هاشمیان در مورد گذشته من بسته و مرا متهم به خدمت در رژیم "خلق - پرچم" و بالاتر از آن به کشتار و قتل‌های عام هموطنان کرده است، از همان اتهاماتی ست، که در ممالک غربی مستوجب اشد مجازات میباشد. مصمم هستم که از مجاری قانونی و حقوقی المان دست به اقدام بیازم. آقای هاشمیان و وبسایت "افغان جرمن آنلاین" به حیث ناشر اتهامات ردیلانه هاشمیان منتظر عقوبت قانونی باشند!!!!  
تکرار میکنم:

نمیگذارم که آقای هاشمیان با چنین اتهام بستنهای نامردانه اش، بدون مجازات قانونی بماند!!!!

البته دم روی جزای افغانی را کس از من گرفته نمیتواند!!!!

اگر در این قسمت خارج از موضوع اتهامات هاشمیانی بخوام چیزی بگویم، باید مزده بدهم، که تنها همین یک نوشته "آغای" هاشمیان، مستلزم نوشتن یک دفتر انتقاد است، که باید بنویسم از نظرها بگذرانم. حالا که آقای هاشمیان حجاب حاجز قلم را دریده است، همه نوشته های پیش و پس او را مورد بررسی گرفته و ادعاها و گفته های غلط و بی منطق و غیر علمی او را یکایک نقد خواهم کرد.  
در قسمت بعدی اسناد لازم را از نظر خوانندگان میگذرانم و منتظرم، که آقای هاشمیان هم - اگر بچه مرد است و شیر انسان را خورده است - اسناد مربوطه خود - به شمول سند دکترائی را که ادعاء میکند، در رشته زبانشناسی گرفته است - از نظر هموطنان ما بگذراند، تا همه متیقن گردند، که این آغا سید دروغ نمیگوید!!!!!!!

(خلیل معروفی - برلین - سوم سپتمبر ۲۰۱۵)